



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

۱۹ اپریل، ۲۰۲۵

داکتر نور احمد خالدی

فاشیست‌ها چه کسانی اند و فاشیزم چیست؟

نمونه‌های آنرا در نوشته‌ها و کامنت‌های تعدادی از تاجیکان و هزاره‌ها در همین فیسبوک با نفرت جنون‌آمیزشان از قوم پشتون و زبان پشتو می‌توان دید! همچنانکه فاشیزم هتلر با نفرت از قوم یهود آغاز گردید به همانگونه که فاشیست‌های اوکرایین زبان و فرهنگ روسی را در اوکرایین مورد حمله قرار دادند.

من و هزاران پشتون روشنفکر دیگر در سیاست‌های حکومتها در افغانستان سهمی نداشته‌ایم و از سالها به اینطرف خارج از افغانستان زندگی می‌کنیم. اما مورد نفرت جنون‌آمیز این قشر قرار داریم چرا برای اینکه پشتون هستیم افغان و افغانستان را دوست داریم و از تاریخ پر افتخار آن که هم‌تباران تاجیک و هزاره در افتخارات آن سهم ارزنده داشته‌اند دفاع می‌کنیم.

اسم افغان و افغانستان را پشتونها بالای خود و کشور خود نگذاشته‌اند که امروز مورد غضب فاشیست‌های تاجیک و هزاره قرار دارد. این اسم‌ها را تاجیکها، فارسوینها، و از زبان آنها ترک‌تباران اعراب، ایرانیها و اروپاییان بکار برده‌اند. بنابر آن این کمپاین ضد افغان و افغانستان کاملاً جاهلانه است.

یک آقای بنام پوپلزی یک کامنت بسیار عادی گذاشته بود که به سیاست و قوم هیچ ارتباط نداشت اما یکی از این فاشیست‌های تاجیک نام فامیلی پوپلزی او را مورد تحقیر قرار داد. صدها بار زبان پشتو را با صفات دغه‌پغه مورد تمسخر قرار می‌دهند. یک کسی یک شعر مرا دکلمه کرده اما مورد غضب یک فاشیست تاجیک قرار گرفت.

افغان بازار دندینانگ از سالها به اینسو موجود بود اما امروز تعدادی هزاره فاشیست می‌خواهند اسم افغان بازار را به بامیان کوچک تبدیل کنند! مگر بازار در ملبورن قحط است که بامیان کوچک نامگذاری شود اما مخصوصاً بجان "افغان بازار" افتاده‌اند؟ صدها از این نوع مثالها را میتوان آورد.

پشتونها زبان دری/فارسی را دوست دارند. از قرن‌ها به این طرف در تمام مساجد قریه های پشتون نشین کتابهای بوستان و گلستان سعدی و اشعار حافظ به کودکان دهات پشتون تدریس می‌گردد از این جهت اکثریت پشتونها زبان دری را یاد دارند و با آن بی تعصب تکلم میکنند. اما یک استاد پوهنتون تاجیک در یک مصاحبه بدون شرم میگوید "من هیچ ضرورت ندارم زبان پشتو را یاد بگیرم!" این فاشیزم است که نفرت شرم آور جنون آمیز را در برابر اسم کتاب "پته خزانه" شعله ور میکند نه اینکه آیا این کتاب حقیقی است یا جعلی!

این فاشیزم است که دانشمندان، شعرا، نویسندگان، دولتمردان و قهرمانان تاریخی پشتون مورد غضب تاجیکان و هزاره ها هستند.

این فاشیزم است که افغانها و تاریخ افغانستان مورد غضب فاشیستهای تاجیک و هزاره قرار دارند.

این فاشیزم است که افغانستان مورد خشم فاشیستهای فارسیست قرار گرفته است و آنرا بیشرمانه قلمرو ایران شرقی قلمداد میکنند!

فاشیزم با نفرت عمیق در مقابل یک قوم و یک زبان ظهور میابد و فاشیستهای مانند فاشیستهای تاجیک و هزاره را خلق میکند! چرا؟

برای اینکه پشتونها بزرگترین قوم در سرزمین‌های جنوب هندوکش هستند و ناگذیر نقش کلیدی در حوادث، تحولات و انکشافات این منطقه دارند که در این جریان اقلیتهای قومی و زبانی مانند تاجیکها، ترکتبارها و هزاره ها در تضاد منافع با آنها قرار می‌گیرند. پشتون ها با نشنلیزم آزاد منشانه خود در منطقه بر ضد استعمار و زورمندان منطوقی قد علم کردند و پیروزمندانه از بنگال تا آذربایجان در دوران‌های غلجیها، لودیها، سوریها، هوتکیها، درانیها، آزادخان افغان و سدوزاییها حکومت کردند- و حتی در چهار انتخابات دموکراتیک پیروز شدند و حکومت میکنند. در نتیجه نه تنها در منطقه بلکه در سطح جهانی مورد احترام و عزت قرار دارند. این برای کسانیکه نام شان در تاریخ نیست غیر قابل تحمل است!

تعدادی از تاجیکان که خود را با افتخارات فارسها در ایران امروزی که هزاران فرسخ از سرزمینهای آبایی آنها فاصله دارد وصل میکنند مشترکات زبانی را به همخون بودن قومی و نژادی اشتباه میکنند. زبان دری خود را که مادر زبان فارسی ایران است دو دسته به ایرانیان ارزانی میکنند و سلاخی را که فارسها با زبان زیبای دری انجام داده اند به عنوان معیار زبان خود قبول دارند. آنها نمیدانند که به اثبات نتایج مطالعات ژنتیکی، تاجیکها هیچ ارتباط خونی با ایرانیها و هزاره ها ندارند در حالیکه پشتونها برادران و خواهران همخون آنها هستند. جنبش

خراسان خواهی تاجیکان سرپوشی است که نیت اصلی پیوستن به داعیهٔ ایجاد ایران بزرگ آنها را مخفی میکند .

از هزاره ها با ریشه های مغولی آنها نه میتوان گله داشت چون پیوند عاطفی با مردم افغانستان ندارند و تاریخ نزدیک بخصوص جنبش هزارستان نشان داد که به مجرد خروج از افغانستان آنها نه افغان هستند و نه افغانستان را می شناسند.

هیچ شکایت عدالت خواهی و هیچ دلیل مشابه دیگری فاشیزم، تفکر فاشیستی- عمل فاشیستی و انسان فاشیست را برائت نمیدهد. اگر حاکمیت طالبان حقوق اساسی مردم را محدود کرده اند و یک نظام دیکتاتوری مذهبی ایجاد کرده اند قربانیان آنها همه اقوام و همه زبانها در افغانستان اند. طالبان نمایندگان قوم پشتون نیستند، طالبان تطبیق کنندگان شریعت اسلامی به تفسیر خودشان هستند. با فاشیزم و فاشیستها باید مقابله کرد!

تبصرهٔ استقلال خپلواکی: آنچه را محقق و نویسندهٔ افغان داکتر نور احمد خالدي به بحث گرفته است، دقیقاً حرفی در استدلال وی اشنباه نمیباشد و جای افسوس است که با تفرقه و شقاقی که بین اقوام شریف افغانستان ذریعهٔ گروه های غیر ملی کشور و با تحریک همسایگان غدار رونما گردیده، این همه بغض و نفرت از هموطن، صرف بعد از تجاوز شوروی و فعالیت دست پرورده های آن آغاز گردید و البته که ایران هم بعد تر و واضحاً با عمال وطنی جیره خوار، دست بالایی درین معضلهٔ ملی داشته است و دارد.

همانطور که محترم داکتر خالدي بیان داشته است، نه تنها در مکاتب و مساجد سرزمین های پشتون نشین لسان دری افغانستان بصورت وسیع تدریس میگردد، بلکه حتی در منازل هم سعدی و حافظ و چهار کتاب و امثال آن بین زنان و دختران دست به دست میگشت. فامیل پدری اینجانب عمری را به تدریس خانگی دختران محله بصورت رضا کار سپری مینمودند که در پهلوی مضامین دینی و پشتو، انواع کتب دری اعم از نثر ادبی، شعر و امثالهم شامل میبود. چنانچه مانند همه پشتون های با سواد، بدون شک همه فامیل از نعمت مکالمه به هردو لسان ملی برخوردار بوده اند و هستند.

دقیقاً من تا ایندم هیچ هموطن پشتو زبانی را ملاقات ننموده ام که از دری منزجر بوده باشد و با داشتن سواد پشتو از مکالمهٔ دری اباء بورزد، ولی با نفاق و شقاقی که عمداً رایج گردیده است و ذهنیت جوانان و نسل های ما را شستشو میدهد، دردا که تفرقه اندازان بی مروت بیدریغ در شکستن وحدت ملی مقدس افغانی دست اندر کارند!! م. نظام